

گام‌های

تبشیر مسیحیت

در جهان اسلام

عبدالعظیم نازویی

است بهتر است که کلیسا کوشش خود را در غرب، برای نجات تمام آن مسیحیانی که دیگر ایمانی ندارند و یا صدها میلیون بت پرست که در تمام دنیا می‌باشند به کار گیرد. چرا پیام انجیل در میان این مردم انتشار نیافته است؟ چرا هزاران میسیونر به اندونزی، فلپین و بنگلادش جهت مسیحی کردن گروه‌های کوچک مسلمان اعزام می‌شوند؟ چرا فعالیت مبشرین در کشورهای اسلامی متمرکز است؟^(۱)

رهبران مسیحیت بیش از هر دین و آیینی از اسلام احساس خطر می‌کنند و از پیشرفت و گسترش اسلام در هر اس‌اند. زیرا اسلام به عنوان آخرین و کاملترین رسالت الهی، دینی جهانشمول است و پیام آور سعادت و بهروزی دنیوی و اخروی برای تمام انسانهاست. همچنین اسلام تنها دینی است که توانسته در برهه‌های مختلف تاریخ، در مقابل صلیبیان مسیحی بایستد و آنان را با شکست‌های فاحش مواجه سازد، و با برافراشتن پرچم توحید و یکتاپرستی و عدالت گسترده و نوع دوستی سرزمینها و دلهای بسیاری را بر باید، و توده‌های مردم را از مسیحی و یهودی و از یوغ حاکمان ستمگر برهاند و با آزادی و کرامت آشنا کند^(۲). اما مبلغان مسیحی و مهاجمان صلیبی همواره در تلاش بوده‌اند تا تثلیث را جایگزین توحید، و شرک را جایگزین یکتاپرستی، و ظلم و جور را جایگزین عدل و قسط کنند. در برهه‌ها و نقاط مختلف جهان با برنامه‌های گوناگون، شیوه‌های متفاوت و ابزارهای مختلف راه نفوذ در جوامع اسلامی را پیش گرفته‌اند. در مواردی از زور و اکراه کار گرفته و مسلمانان را با انواع شکنجه‌ها به سوی مسیحیت کشانده‌اند و از قتل و کشتار

جهان مسیحیت در رابطه با مذاهب و ایده‌های گوناگون، شیوه‌های برخورد مختلفی دارد؛ نسبت به بسیاری از آنها موضعش بی طرفانه و مسالمت آمیز است، ولی با دین اسلام و مسلمانان مواجهه‌اش به گونه دیگر است؛ به تعبیری با مذاهب و ایده‌های دیگر رفتاری دوستانه، اما با اسلام و مسلمانان روالی رقیبانه و ستیزه جویانه دارد.

گروه‌های تبشیری (تصیری) مسیحی فقط جهان اسلام را عرصه فعالیت‌های خویش قرار داده‌اند؛ خاستگاه این رویکردشان از یک سو حس رقابت و از سوی دیگر ترس و وا همه از گسترش اسلام و تعالیم جهانشمول آن در سطح جهان است، و علت بنیادین تمرکز این گونه فعالیت‌ها در کشورهای اسلامی و در میان جوامع مسلمان متعدد است.

با توجه به شواهد موجود در می‌یابیم که گروه‌های تبشیری (تصیری) مسیحی هیچ‌گاه به فکر هزاران بت پرست، لائیک و انسانهایی که دارای مذهب و آیینی جز اسلام هستند نمی‌افتند و زحمت ارسال گروه‌های تبشیری را به سوی آنها به خود نمی‌دهند، بلکه در سایه قدرت‌های سلطه‌گر و استعمارپیشه، آنها را به کشورهای اسلامی و عربی گسیل می‌دارند و اهداف و برنامه‌های مختلفی را دنبال می‌کنند^(۳).

آقای خسرو شاهی سفیر اسبق ایران در واتیکان، در کتاب «واتیکان، دنیای اسلام و غرب» می‌نویسد: «من خیلی از اسنادی را که فعالیت تبشیری کلیسای کاتولیک را در بین مسلمانان نشان می‌دهد در دست دارم، اما اگر واقعاً حفظ دوستی با اسلام در نظر

بی رحمانه نیز دریغ نکرده اند. چنانکه وقتی بساط حکومت مسلمانان از اندلس (اسپانیا) بر چیده شد، مردم را به زور و ادار به پذیرش مسیحیت کردند. کشیش بزرگ شهر طلیطله دستور داد تا تمامی عرب‌هایی را که مسیحیت را نپذیرفته‌اند از پیر و جوان، زن و مرد گردن بزنند و بسوزانند. راهب دومینیکی (بلیدا) دستور داد حتی عرب‌هایی را که در حال مهاجرت هستند بکشند.^(۴) در شبه قاره هند نیز تلاش کردند تا مسلمانان را به زور مسیحی کنند و برای این منظور از قدرت و اسلحه حکومت انگلیس استفاده می کردند و در سایه آنان به نشر و اشاعه افکار خویش می پرداختند.^(۵)

مبلغان

مسیحی که همواره در زیر سایه قدرت های بزرگ و استعمارگر حرکت می کنند دریافتند که مدارس علوم دینی اسلامی در سراسر جهان محور تعلیمات دینی و برقرار کنندگان رابطه وثیق بین توده های مسلمان و اسلام راستین هستند.

در سال ۱۳۸۴ نیز شاهد حرکت مذبحخانه روزنامه های غربی در انتشار کاریکاتورهای موهن و اسائه ادب به ساحت پاک و بی آایش نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و وزیر سوال بردن آن رحمت عالمیان بودیم که بحمدالله مسلمانان با هوشیاری و عزت نفس، آنان را در این دسیسه شان ناکام و سرخورده کردند و خوشبختانه حرکت بیداری اسلامی جانی تازه گرفت و در نتیجه آن بسیاری از غیرمسلمانان نیز به اسلام و اسلام شناسی و شناخت ابعاد صحیح و واقعی شخصیت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه وسلم روی آوردند.

حمله به اصول بنیادین اسلام

رهبران مسیحیت به یقین دریافته اند که قرآن و آموزه های نبوی، نقش قابل توجه و بیش از حد و حصری بر اندیشه های مسلمانان دارند و مسلمانان با الهام از این منابع اصیل و حیانی و روایی، همواره راهی روشن و ایمانی مستحکم خواهند داشت، و مخالفان و دشمنان خود را در برنامه هایش ناکام خواهند گذاشت. از این رو آنان همواره با حمله های گسترده و برنامه ریزی شده، پایه های دین اسلام را هدف قرار داده اند. از آن جمله تلاشهای گسترده خاورشناسان را در چند قرن گذشته شاهد بودیم که با اتهامات و اعتراضات گوناگون قرآن عظیم الشان را نشانه گرفتند، اما هیچ گاه به مقصود خود دست نیافتند. ترفندهای نوین دیگری نیز عملی شد از جمله اینکه گاه انجیل را عیناً مثل قرآن می خوانند^(۶) و می نویسند تا عده ای به زعم اینکه قرآن است آن را بپذیرند، غافل از آنکه این کتاب را خداوند حفظ کرده است و دست تعدی و تحریف به ساحتش راه ندارد. گاه سوره های قرآن را تقطیع و کم و زیاد کرده، به زعم باطل شان قرآنی نوین عرضه کرده اند، چنانکه چندی پیش در خبرها داشتیم که نظامیان آمریکایی مستقر در کویت قرآنی با عنوان قرآن قرن بیست و یکم منتشر کرده اند که دارای ۷۷ سوره است^(۷) و آن را «فرقان الحق» می نامند^(۸)، تا با ترویج آن مسلمانان را به گرایش به سوی مسیحیت تشویق کنند. این کتاب در واقع به منظور تبلیغ مسیحیت و از سوی گروه های تبشیری مسیحی و نظامیان آمریکایی ترتیب یافته و حقایق اسلام در آن وارونه جلوه داده شده است.

حمله به مدارس دینی و آموزشگاه های قرآنی

مبلغان مسیحی که همواره در زیر سایه قدرت های بزرگ و استعمارگر حرکت می کنند دریافتند که مدارس علوم دینی اسلامی در سراسر جهان محور تعلیمات دینی و برقرار کنندگان رابطه وثیق بین توده های مسلمان و اسلام راستین هستند، لذا درصددند تا با انواع اتهامات و افتراهای بی بنیاد، راه آموزشهای دینی سنتی را مسدود کنند.

چند دهه پیش دبلیو. اچ. تی. گاردنر (H. T. Gairdner) W. ضمن سخنرانی در کنفرانس جهانی تبشیر در شهر ادینبورگ گفته است: «همین آموزش و تعلیم اسلام سنتی هنوز اساس زندگی توده های مسلمان در سراسر جهان را تشکیل می دهد، توده هایی که همیشه باید از آنها به عنوان یک قدرت بالقوه بسیار سهمگین و نیرومند یاد کرد.»^(۹) دکتر ویلیام هانت در اواخر قرن نوزدهم از طرف دولت انگلیس مامور تهیه گزارشی پیرامون مسلمانان شبه قاره هند بود که به کنکاش درباره راه های مؤثر سلطه و حکومت بر شبه قاره هند می پرداخت؛ او پس از بررسی و مطالعه دقیق اوضاع مسلمانان هند، این پیشنهاد را ارائه کرد: «نباید تدریس فقه اسلامی را به عنوان یک رشته اصلی در مدارس قبول کنیم. تدریس فقه اسلامی یعنی توسعه دین اسلام در دنیا و این مسئله حکومت و دولت غیر اسلامی (مسیحی) را با مشکل روبرو خواهد کرد. و به جای آن باید سعی کنیم که نسل های آینده مسلمانان را از قوانین دوران قرون وسطایی (که دوره طلایی تمدن اسلامی بود) دور نگاه داریم و برای این منظور باید آنها را با علوم غرب و آموزش و پرورش انگلیسی تربیت و وارد کار و زندگی کنیم.»^(۱۰)

پس تبلیغاتی که امروزه علیه اسلام و مسلمانان و بویژه تبلیغات گسترده‌ای که علیه مدارس دینی و آموزه‌های قرآن و سنت در جریان است، امری جدیدی نیست که آمریکا و به اصطلاح مبارزه‌کنندگان با «تروریسم» آن را پیش گرفته باشند، بلکه توطئه‌ای با سابقه و دارای پیشینه دراز است که همواره گروه‌های تبشیری و رهبران مسیحی روی آن دست گذاشتند و ایادی خود را در جهان اسلام برای از بین بردن آن مامور کرده‌اند. این اقدامات نیز به منظور بی‌فروغ کردن خورشید اسلام و آموزه‌های متعالی آن است که ان شاء الله هیچ‌گاه به فرجام نخواهد رسید.

سیاست استحاله فرهنگی

مسلمانان از فرهنگ و تمدنی والا و ارزشمند و در عین حال مستقل برخوردارند که از تعالیم جامع در پرتو قرآن و سیره نبوی گرفته شده است. از این رونفوذ فرهنگها و اندیشه‌های بیگانه و پیرامونی در آن مشکل به نظر می‌رسد. در طول سالیان متمادی سازمانها و گروه‌های تبشیری مسیحی به طور مستقیم مسلمانان را به سوی افکار و عقاید خویش فرا خواندند اما موفقیتی به دست نیاوردند، لذا رویکرد خویش را عوض کردند تا راهی برای نفوذ در فرهنگ و اندیشه اسلامی بیابند. آنان به یقین دریافته‌اند که با درگیری و برخورد مستقیم هیچ‌گاه نمی‌توانند به اهداف خویش دست یازند، چنانکه لوثی نهم، پادشاه فرانسه، هنگامی که در برابر مسلمانان با شکست فاحشی روبرو شد و در منصوره مصر اسیر و سپس آزاد گردید، به نصاری صلیبی و غربیان چنین توصیه کرد: «غرب باید شیوه جنگ‌های مادی را رها کند و به جای آن تهاجم فرهنگی و فکری را آغاز نماید.»^(۱۱) و این در واقع اعلان آشکاری بود مبنی بر اینکه شیوه تهاجم غربیان مسیحی و هم‌پیمانان‌شان تغییر خواهد کرد و آنان راههای دیگری را برای مبارزه با دین اسلام و مسلمانان پیش خواهند گرفت. از آن جمله به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

الف: بانگ اصلاح دین و اصلاح قوانین اسلامی

غرب مسیحی در گذشته و حال و بویژه در عصر حاضر با تبلیغات گسترده‌ای در تلاش است تا این اندیشه رادر ذهن دانشمندان و اندیشمندان جهان اسلام، خصوصاً آن عده که در غرب تحصیل کرده و یا به شیوه آموزش

غربی، آموزش دیده‌اند فرو کند و آنان را دچار شک و تردید کند که دین اسلام و تعالیم جاویدان آن کهنه شده و پاسخ‌گوی نیازها و مسائل عصر جدید نیستند و نیاز است که تعالیم آن مورد اصلاح قرار گیرد. آنان از این اندیشه انحرافی به عنوان راهکار مؤثری در برخورد با اسلام یاد می‌کنند.

چنانکه یکی از خاورشناسان می‌گوید: «انتظار می‌رود که مبشران مسیحی در مدت بسیار کوتاهی بتوانند نقشه تجدید و اصلاح آیین اسلام را پیاده کنند و امید است که در این طرح بیش از طرح قبلی (نقشه تغییر عقیده) موفق شوند، زیرا این راهی است که با هیچ مانعی روبرو نمی‌شود و هرگز سدی در برابر آن ایجاد نمی‌شود. از این رهگذر باید مبشران از این فرصت استفاده کنند و از غفلت و سهل‌انگاری پرهیزند.»^(۱۲)

نخست خواستند این باور را تقویت کنند که تعالیم اسلام با عصر صنعت و تکنولوژی یعنی عصر حاضر سازگار نیست و عمل کردن بر آن و معتقد بودن به آموزه‌های آن، با عقب ماندگی و ارتجاع مساوی است؛ غافل از آنکه دین اسلام دینی کامل و قوانینی ابدی دارد و ضامن حیات و بقای شرافتمندانه انسان و مایه سعادت در دنیا و جهان پس از مرگ است و غبار کهنگی و فرسودگی به دامن آن نخواهد نشست و همواره پویا و به روز خواهد ماند، و در سایه تلاش‌ها و مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر داعیان مخلص، عالمان و مصلحان ربانی، مجاهدان جان بر کف و توده‌های بیدار و آگاه، همچون نوری چشمگیر و فراگیر تاریکی‌ها را خواهد زدود و همچون مشعلی فروزان در شاهراه سعادت و نیک‌بختی جامعه بشری، خواهد درخشید.

ب: شعار آزادی خواهی و تجددطلبی

غرب مسیحی و به طور خاص رهبران کلیسای کاتولیک، همچنین به منظور راهیابی و نفوذ در دیواره محکم پایه‌های اعتقادی و ایمانی مسلمانان، از آنجا که نتوانستند به طور مستقیم ضربه‌ای به آنها وارد کنند، شیوه کار را عوض کرده و با نامهای گوناگون و شعارهای فریبنده از قبیل «آزادی خواهی» و دفاع از «آزادی عقیده» وارد عمل شدند. «کلیسا مسئله حقوق انسانها و مفاد اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل را که خواستار به اصطلاح «آزادی عقیده» برای همگان است، یکی از وسایل کلیدی نفوذ در جوامع اسلامی محسوب می‌دارد، زیرا که کلیسا به خوبی می‌داند

☑ **مسلمانان از فرهنگ و تمدنی والا و ارزشمند و در عین حال مستقل برخوردارند که از تعالیم جامع در پرتو قرآن و سیره نبوی گرفته شده است.**

آنان با شعارهایی از قبیل «جهانی سازی، رفع تمایزهای فرهنگی، متحد گردانیدن ایدئولوژی های سیاسی در سطح جهان، از بین بردن تبعیض و نابرابریها»^(۱۵) می خواهند مسلمانان را از هویت اسلامی شان جدا سازند و حصار نفوذ ناپذیر دین اسلام را که انسان مسلمان را از فرو غلتیدن در بحران های فاجعه بار زمانه باز می دارد، بشکنند و هیچ نوع وجه تمایزی برای آنان باقی نگذارند.

راه گفتگو در واقع نوعی تغییر تاکتیک از سوی تبشیریان و مسیحیانی بود که راه های دیگر را مشکل زا احساس می کردند و خواستند از این طریق راه تفاهم را هموار سازند.^(۱۶)

گرچه امروزه آمریکا و دیگر کشورهای غربی مسیحی با شعار مبارزه با تروریسم، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته اند و در لباس مبارزه با تروریسم و دشمنان امنیت! خواهان آن هستند تا معیارهای متعالی اسلام و تعالیم ارجمندش را تغییر دهند.

بسیاری از آگاهان این حقیقت را از ورای حمله های ناجوانمردانه آنان به افغانستان و عراق دریافته اند.^(۱۷) شک نیست که مردم افغانستان به مواد غذایی و بازسازی همه جانبه نیاز دارند، نه به انجیل و تبلیغ مسیحیت؛ امروزه بیش از هر زمانی گروه های تبشیری در زیر چتر حمایت آمریکا و هم پیمانانش در افغانستان به فعالیت مشغول هستند.

د: تحریک غرایز جنسی جوانان مسلمان
ترفند دیگرشان با توجه به جایگاه بلند ارزشهای دینی در قلب جوانان مسلمان، آنست که آنها را از ارزشهای والای دینی شان باز دارند و با انواع برنامه های سرگرم کننده صوتی و تصویری و نوشتاری محرک غرایز جنسی و ضد اخلاقی مشغول دارند و از تقوا و معنویت و پیروی از احکام قرآن و سنت های حبیب صلی الله علیه و سلم دور سازند و در ضمن آن به نشر و اشاعه باورهای فکری و مذهبی خود پردازند.

گروه های تنصیری و تبشیری در همین راستا در بوسنی هرزگوین هفتصد هزار کتاب تنصیری که حاوی باورهای مسیحیت بودند توزیع کردند. همچنین چندین هزار از داستان های انجیل را در میان کودکان عراقی توزیع و پخش کرده اند.^(۱۸) و این برنامه ها در ادامه سیاست هایشان برای استحاله فرهنگی مسلمانان است.^(۱۹)

ملل مسلمان جهان در پابندی به اصول اسلام و عدم تغییر مذهب خود سخت گیری خاصی دارند و فقط با استفاده از حکومت های ضد ملی و عناصر حاکم به ظاهر مسلمان، می توان «فضای حقوق بشر» را در کشورهای اسلامی به وجود آورد تا در این رابطه کلیسا بتواند زیر پرچم منشور حقوق بشر و میثاق آزادی های سیاسی، مذهبی و فرهنگی (ساخته غرب)، برای فعالیت های به اصطلاح تبشیری خود (که در واقع، آنرا باید فعالیتهای تنصیری «نصرانی کردن» نام نهاد!)، ضمانت اجرایی لازم را به دست آورد و تنها از این طریق، کلیسامی تواند در دراز مدت، جوامع مسلمان را برای گرایش احتمالی به مسیحیت ترغیب نماید!^(۲۰)

در وهله نخست تلاش شان این بود که جامعه یزبای ایمان و اعتقاد را که مانع بزرگی در راه نفوذ فکری و اعتقادی آنان است، از تن مسلمان بدر کنند و پس از تحیر و سرگردانی او را به سوی آیین مسیحیت دعوت دهند و اندیشه های تحریف شده خود را با ابزارهای گوناگون از قبیل تطمیع، نشان دادن زرق و برق تکنولوژی و آزادی های غربی در ذهنش فرو کنند.

آنان در صدد اند تا افرادی بی هویت و عاری از غیرت دینی و حماسه های ایمانی بسازند و زیر کانه آنان را تابع برنامه های خویش کنند؛ گرچه تا حدودی ممکن است توفیق یابند اما واقعیت آنست که «عرض خود می برند و زحمت ما می دارند».

در حال حاضر مبشران (مبلغان مسیحیت) مثل گذشته با الفاظ زننده و تنفر آمیز به تبلیغ مسیحیت نمی پردازند بلکه روش خود را عوض کرده و با الفاظ خوب و اصطلاحات فریبنده سخن می گویند تا بتوانند دیگران را به سوی خود جلب کنند. گاه شعار «خردگرایی»^(۲۱)، نوگرایی و تجدد طلبی را طرح می کنند تا از فرایند چنین شعارهای عامه پسندی در میان صفوف مستحکم مسلمانان رخنه کرده و به تبیین آیین مسیحیت پردازند و در ضمن واکنش کسی را بر نیانگیزند و راه ورودشان هموار باشد.

ج: راه گفتگو

رهبران کلیسا به منظور نزدیک شدن به جوامع اسلامی و نفوذ هر چه بیشتر در میان مسلمانان می کوشند تا راه گفتگو را بگشایند و در سایه این گفتگوها به طور زیر کانه اسلام را همگون با مسیحیت جلوه دهند.

✓ راه گفتگو
در واقع نوعی
تغییر تاکتیک
از سوی
تبشیریان و
مسیحیانی بود
که راه های
دیگر را
مشکل زا
احساس
می کردند.

همچنین دولت ایالات متحده از طریق وب سایت فرصت های شغلی فدرال از نویسندگان دعوت کرده است که به صورت دسته جمعی یا فردی کتابهایی در قالب طنز جهت پر کردن اوقات فراغت و مطالعه جوانان خاورمیانه تهیه کنند.^(۲۰)

آنان در تلاشند تا از این طریق در جهت دهی منفی اندیشه های جوانان نقش مؤثری داشته باشند، در ضمن آنان را به الگوگیری از فرهنگ غربی فرامی خوانند.

هـ: تشکیک و شبهه افکنی در دین

راه دیگری که آنان در بسیاری از کشورهای اسلامی و به وسیله رسانه های گروهی و شبکه های رادیویی و تلویزیونی و در پیش گرفته اند آن است که نخست تعالیم حیاتبخش و سعادت آفرین اسلام را مورد حمله قرار می دهند و اعتراضات گوناگونی بر آن وارد می کنند، مانند اینکه چرا اسلام به زن و مرد حقوق برابر نمی دهد؟ چرا اسلام در پاره ای موارد خشونت را می پسندد؟ چرا؟ مسلم است که چنین تبلیغاتی واهی ای در ذهن افرادی که شناخت چندانی از معارف دینی و فلسفه احکام شریعت ندارند، ایجاد شبهه می کند و سبب تزلزل فکری و اعتقادی می گردد، که هدف آنان نیز همین است. «زویمر» یکی از طلایه داران سازمانهای تبشیری در چند دهه گذشته خطاب به مسلمانان می گوید: «اسلام را ترک کنید، سپس هر چه می خواهید باشید».^(۲۱)

مبشران از خلال رابطه با مسلمانان نهال شک و تردید را در دلهای مسلمانان می کارند و درباره پاره ای از آموزه های اسلام، شخصیت های برجسته اسلامی و تاریخ اسلام شک و شبهات ایجاد می کنند.^(۲۲) آنان می خواهند نسلی تربیت کنند که نسبت به دین و بنیادهای استوار شریعت با دیده شک و تردید بنگرد و در این راستا مؤسسات و سازمانهایی را دایر کرده و می کنند که وظیفه شان تشکیک در عقاید و میراث دینی و فرهنگی اسلام است.^(۲۳) چنانکه در دوران استیلای انگلستان بر شبه قاره هند نیز با تشکیک در ارزشهای دینی و فرهنگ و تمدن اسلامی و تاریخ و شریعت اسلامی خواستند به مسلمانان ضربه وارد کرده و مسیحیت را ترویج کنند که الحمدلله با زحمات خستگی ناپذیر علماء و اندیشمندان اسلامی این توطئه ها ناکام ماند.^(۲۴)

دسیسه های نوین باندهای تبشیری حد و مرزی ندارد و چون نمی توانند به طور مستقیم مسلمانان را به

سوی مسیحیت دعوت دهند راه متزلزل کردن فکری و عقیدتی را در پیش گرفته اند.

استفاده از اهرم های فشار

رهبران مسیحی گاه به منظور پیشبرد اهداف و برنامه های تبشیری خود در کشورها و جوامع اسلامی از حاکمان مستبد به ظاهر مسلمان و نفوذ قدرت های استکباری سلطه گر بهره می برند.

مولانا محمد رابع ندوی، رئیس دانشگاه اسلامی دارالعلوم ندوة العلماء لکنوء، می نویسد: «قدرت های بیگانه، کشورهای شرقی غیر اسلامی را از دو جنبه سیاسی و اقتصادی در تنگنا و تحت فشار قرار می دهند، اما کشورهای اسلامی علاوه از جهات مذکور در زمینه ارزشهای دینی و اعتقادی نیز در تنگنا قرار می گیرند».^(۲۵) در بسیاری از کشورها دولت مردان مستبد به بهانه های مختلف مسلمانان را با مشکلات عدیده مواجه ساخته اند. در کشوری مثل تاجیکستان و برخی دیگر از کشورهای تازه استقلال یافته سازمانها و مؤسسات مسیحی با تمام توان به فعالیت مشغول اند و با هیچ مانعی از سوی دولت های متبوع روبرو نمی شوند، در حالی که مسلمانان آن کشورها با وجود اکثریت از این آزادی برخوردار نیستند و اگر کسی نسبت به اوضاع نابسامان مسلمانان یا علیه مسیحیت اظهار نظری بکند تحت پیگرد قرار می گیرد و شدیداً دچار مشکل می شود.^(۲۶)

باید یادآور شد که خواسته اسقف ها و کاردینال های مسیحی نیز همین بوده است تا از هر طریق ممکن جلوی اسلام گرایي گرفته شود و راه ترویج مسیحیت باز شود. از نفوذ قدرت های استکباری استفاده و بر آنها فشار وارد شود تا گامهای دلیرانه بردارند و حاکمان کشورهای اسلامی را وادار به پذیرش خواسته های آنان کنند. گاردنر در ادینبورگ در کنفرانس جهانی تبشیر گفته بود: «باید دولت ها را (دولتهای غربی استعمارگر را) تحت فشار مداوم و خردمندانه و دلیرانه قرار داد تا به آزادی و برابری مذهبی کامل، در امپراتوری (اسلامی) تحقق ببخشند. و باید در جهت پیشرفت کار (مسیحی کردن مسلمانان) گامهایی دلیرانه و عاقلانه برداشت».^(۲۷)

سفیر پاپ در ترکیه می گوید: «به ترکیه سکولار احترام می گذارم و او را سرمشق جهان اسلام معرفی می کنم».^(۲۸)

مبشران از خلال رابطه با مسلمانان نهال شک و تردید را در دلهای مسلمانان می کارند و درباره پاره ای از آموزه های اسلام، شخصیت های برجسته اسلامی و تاریخ اسلام شک و شبهات ایجاد می کنند.

جلوگیری از گسترش اسلام

خلاصه آنکه تمرکز فعالیت‌های مسیحیت در جهان اسلام در عصر حاضر روند رو به رشدی داشته است و مسیحیان با تمام توان در صددند تا جلوی گسترش اسلام را بگیرند تا بتوانند مرهمی بر زخم‌های دیرینه‌شان بگذارند و برای این منظور از هر وسیله و ابزاری بهره می‌برند. سایت‌های اینترنتی و ماهواره‌ها را فعال کرده و از طریق رسانه‌ها و مجلات به تبلیغ مسیحیت می‌پردازند. از سوی دیگر گروه‌های فعال اسلامی را که اقدامات آنها را خنثی کرده و توطئه‌هایشان را بر ملا می‌کنند و مانع بزرگی در راه رسیدن آنان به اهداف‌شان هستند به گونه‌های مختلف مورد اتهام قرار می‌دهند و یا عوامل خارجی جلوه می‌دهند تا دولت‌ها از فعالیت‌شان جلوگیری به عمل آورند، چنانکه با فعالیتهای استاد مبارز و دعتوگر بزرگ شیخ احمد دیدات رحمه الله چنین کردند.^(۲۹)

در بسیاری موارد مبلغان مسیحی برای ترویج افکار خویش از مسلمانانی استفاده می‌کنند که در زمینه فهم اسلام دچار لغزش هستند، و این افراد نظریاتی را مطرح می‌سازند که با اسلام ناب منافات دارد و با این کار آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

امروزه در آغاز سومین هزاره میلادی که پاپ آن را دوره تبشیر و تنصیر نوین جهانی اعلام کرده است^(۳۰) گرچه فعالیت گروه‌های ارسالی مسیحیت و باندهای تبشیری گستره وسیع‌تر و تنوع بیشتری دارد اما باید خاطر نشان کرد که از فروغ اسلام و درخشش منابع حیاتی شریعت اسلام هرگز کاسته نشده و نخواهد شد و خداوند عز و جل یاریگر مسلمانان است.

مسلمانان با اندکی تلاش و کوشش و با رجوع به سوی خداوند و احکام اسلامی و دور کردن حجاب غفلت و فراموشی، عزت دیرینه را باز خواهند یافت. بر مسلمانان لازم است تا با بینش عمیق و خردمندانه راههای نفوذ افکار و اندیشه‌های مسیحیان را بازشناسند و دیگران را نیز نسبت به این دسیسه‌ها و ناراستی‌های وارداتی آگاه سازند و گر نه تزلزل اندیشه و عقیده، صفای ایمان بسیاری از مسلمانان را مکدر و تیره خواهد کرد. تبلیغ گسترده و دعوت صحیح نیز زمینه‌های رشد بیداری اسلامی را فراهم کرده از تأثیر گذاری افکار انحرافی جلوگیری خواهد کرد.

✓ در بسیاری موارد مبلغان مسیحی برای ترویج افکار خویش از مسلمانانی استفاده می‌کنند که در زمینه فهم اسلام دچار لغزش هستند.

پس نوشتار

- ۱- برای تفصیل بنگرید: واتیکان، دنیای اسلام و غرب از سیدهادی خسروشاهی ص: ۱۴۹-۱۶۸.
- ۲- همان، ص: ۱۴۹.
- ۳- بلاذری، فتوح البلدان، ص: ۱۴۴.
- ۴- گوستاو لویون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص: ۳۳۳، ترجمه: سیدهاشم حسینی، کتابفروشی اسلامیة.
- ۵- سیدابوالحسن علی ندوی، المسلمون فی الهند، ص: ۲۳۲، دار ابن کثیر بیروت.
- ۶- احمد عبدالله رفاعی، التنصیر یغزو العالم الاسلامی، ص: ۶، شبکه الخیمة العربیة.
- ۷- روزنامه جمهوری اسلامی.
- ۸- مجله ندای اسلام، شماره ۲۴، ص: ۷۳.
- ۹- سیدهادی خسروشاهی، واتیکان، دنیای اسلام و غرب، ص: ۱۹۱.
- ۱۰- حمید مولانا، ظهور و سقوط مدرن، ص: ۵۷.
- ۱۱- احمد عبدالله الرفاعی، التنصیر یغزو العالم الاسلامی، ص: ۱.
- ۱۲- سید ابوالحسن علی ندوی، ارزیابی تمدن غرب، ص: ۳-۳۰۲.
- ۱۳- واتیکان، دنیای اسلام و غرب، ص: ۶۵.
- ۱۴- همان، ص: ۱۹۰.
- ۱۵- التنصیر یغزو العالم الاسلامی، ص: ۲.
- ۱۶- محمداوضح رشید ندوی، الی نظام عالمی جدید، ص: ۲۵، المجمع الاسلامی العلمی لکهنو، هند.
- ۱۷- مجله البیان، ذوالقعدة ۱۴۲۶ هجری، دسامبر ۲۰۰۵م.
- ۱۸- التنصیر یغزو العالم الاسلامی، ص: ۳.
- ۱۹- واتیکان، دنیای اسلام و غرب، ص: ۳۸.
- ۲۰- هفته نامه پگاه حوزه شماره ۱۵۶، ۲۷ فروردین ۸۴.
- ۲۱- شوقی ابوخلیل، الاسقاط فی مناہج المستشرقین و المبشرین، ص: ۱۹، دارالفکر.
- ۲۲- الی نظام عالمی جدید، ص: ۳۴.
- ۲۳- همان، ص: ۷.
- ۲۴- المسلمون فی الهند، ص: ۲۳۲، دار ابن کثیر.
- ۲۵- الی نظام عالمی جدید، ص: ۵، المجمع الاسلامی العلمی.
- ۲۶- ماهنامه البلاغ، شوال ۱۴۲۵ هجری، دسامبر ۲۰۰۴م، کراچی، ص: ۴۲.
- ۲۷- واتیکان، دنیای اسلام و غرب، ص: ۱۸۸.
- ۲۸- همان، ص: ۲۴۳.
- ۲۹- التنصیر یغزو العالم الاسلامی، ص: ۷. (جهت آشنایی بیشتر با شخصیت شیخ احمد دیدات، به شماره ۲۳-۲۲ مجله ندای اسلام، ص: ۱۱۴ مراجعه کنید.)
- ۳۰- واتیکان، دنیای اسلام و غرب، ص: ۲۲۳.